

## درس تفسیر آیت الله جوادی

۹۱/۱۲/۲۸

بسم الله الرحمن الرحيم

« فهرست دروس

﴿أَوْ لَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ أَفَلَا يَسْمَعُونَ (۲۶) أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ (۲۷) وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۲۸) قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ (۲۹) فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرْ إِنَّهُمْ مُنْتَضِرُونَ (۳۰)﴾

## مراتب عبادت مومنان در بیان قرآن کریم

این بخش پایانی سوره مبارکه «سجده» است چند نکته ای که مربوط به مطالب قبل است این است که در قرآن کریم گاهی برای اوساط اهل ایمان که «خوفاً من النار» یا «شوقاً الي الجنة» عبادت می کنند وعده هایی را قرآن مشخص می کند، گاهی هم برای اوحدي اهل ایمان درجاتی را ذکر می کند آنجا که برای اوحدي و علمای مؤمن درجه ذکر می کند نامی از خوف و طمع نیست آنجا که برای اوساط از مؤمنان مسئله مطرح می کند گرچه جای خوف و طمع هست اما جای بیان آن مرحله عالی نیست در سوره مبارکه «سجده» که جمع فرمود بین آن مرحله عالی و مراحل میانی، این معلوم می شود برای آن گروه های سه گانه است عده ای «حباً لله» خدا را عبادت می کنند عده ای «خوفاً من النار» عده ای «شوقاً الي الجنة» [۱] و مستحضرید که کلمه «واو» همان طوری که برای جمع می آید برای تقسیم هم می آید اینکه

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر

رجال

دروس به زبان عربی

دروس سطوح عالی

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس ها

راهنما

تقریر نویسی

مشکلات

ثبت نام

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

نرم افزارها

پخش زنده- کامپیوتر

پخش زنده- اندروید

آرشیو مدرسه فقاها

می‌گویند کلمه، اسم است و فعل است و حرف این به جای اینکه  
بگویند کلمه «إِذَا اسْمٌ وَّ إِذَا فِعْلٌ وَّ إِذَا حَرْفٌ» می‌گویند «اسمٌ و  
فِعْلٌ وَّ حَرْفٌ» که این «واو» برای تنويع و تقسیم است لذا اینکه  
فرمود: ﴿خَوْفًا وَطَمَعًا﴾ [۲] یعنی يك عده «خَوْفًا مِنَ النَّارِ» يك  
عده «طَمَعًا إِلَى الْجَنَّةِ» خدا را عبادت می‌کنند. در سوره مبارکه  
«اسراء» سخن درباره مرحله عالی است که فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ  
أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا وَيَقُولُونَ  
سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لَمَفْعُولًا وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ  
وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَانَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ  
الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾ [۳] اینها همین که نام خدا و یاد خدا مطرح  
می‌شود به سجده می‌افتند اینها کسانی‌اند که ﴿أُوتُوا الْعِلْمَ﴾ اند  
درباره اینها سخن از خوف و طمع مطرح نیست در سوره مبارکه  
«اعراف» آنجا سخن از خوف و طمع مطرح است اما از ﴿أُوتُوا  
الْعِلْمَ﴾ نامی به میان نیامده آیه ۵۶ سوره «اعراف» این است که  
﴿وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا﴾ چه  
خوف و طمع در دنیا، چه خوف و طمع در آخرت ﴿إِنَّ رَحْمَتَ  
اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ در سوره «اعراف» سخن از ﴿أُوتُوا  
الْعِلْمَ﴾ نیست در سوره «اسراء» سخن از خوف و طمع نیست  
اما در سوره «سجده» آیات پانزده و شانزده که بین این دو عنوان  
جمع کرد معلوم می‌شود که سند همان روایتی است که عبادت  
کننده‌ها سه قسم‌اند بعضی‌ها حباً و شكراً خدا را عبادت می‌کنند  
بعضی‌ها «خَوْفًا مِنَ النَّارِ» و برخی‌ها هم «شَوْقًا إِلَى الْجَنَّةِ».

سرّ تفاوت تعبیر در بخش پایانی آیات ۲۶ و ۲۷ سوره «سجده»

در بخش پایانی سوره «سجده» یعنی آیه ۲۶ به بعد هم از تبشیر  
سخن به میان آمده هم از انداز، احیا و اماتة خدای سبحان به  
صورت تبشیر و انداز ذکر شد در آیه ۲۶ فرمود مگر این قصص  
گذشتگان را نشنیدند که ما اینها را به هلاکت رساندیم و خانه‌های

اینها و دیارهای متروک اینها به دست بعدی‌ها رسید که از آن استفاده می‌کنند این يك امر خبري است لذا در آن آیه ۲۶ تعبیر به ﴿أَفَلَا يَسْمَعُونَ﴾ فرمود برای اینکه جریان عاد و ثمود و اقوام دیگر را که اینها ندیدند فقط قصه‌های اینها را شنیدند و آثار به‌جا مانده اینها را می‌بینند ولي در آیه ۲۷ که از احیای الهی سخن به میان آمده از نظم و تدبیر خدا سخن به میان آمده اینها مشهود و دیدنی است فرمود مگر نمی‌بینند ما با چه نظم علمی اینها را آفریدیم که این بشر با هوشی که ما به او دادیم سالیان متمادی زحمت کشید تازه يك گوشه از هواشناسی را تشخیص داد بعدها فهمیدند کم و بیش که ما چگونه اول نسیم تولید می‌کنیم بعد این نسیم را به صورت باد در می‌آوریم ابر تولید می‌کنیم ابر بعضی‌ها مذکرند بعضی‌ها مؤنث‌اند این ابرها را با نکاح تلقیح می‌کنیم این ابرها را باردار می‌کنیم این ابر وقتی باردار شد مأموریت خاص دارد که کجا برود و کجا ببارد و چقدر ببارد ما این مأموریت را به وسیله فرستاده‌هایمان انجام می‌دهیم ﴿وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ﴾.

[۴]

#### خداشناسی در پرتو شناخت رسالت الهی ابر و باد

این بادها چند برنامه دارند چند رسالت دارند اینها رسول ما هستند در نظام تکوین، هم باید این ابرها را جابه‌جا کنند هم بین این گیاهان نر و ماده، نباتات مذکر و مؤنث نکاح برقرار کنند تلقیح کنند ﴿وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ﴾ تازه بشر با تشکیل چندین دانشکده به گوشه‌ای از رمز و راز هواشناسی پی برد بعد فرمود ما اینها را راهنمایی می‌کنیم که کجا ببارند ما اجازه نمی‌دهیم این زحمات ما هدر برود که این بادها این ابرها را به سرزمین سباخ و شوره‌زار ببرند. ارض سباخ یعنی سرزمین شوره‌زار. ما اینها را به ارض جُرز می‌بریم ارض جُرز غیر از ارض سباخ است باراندن باران در سرزمین شوره‌زار اتلاف باران است. اما ارض جُرز یعنی ارضی

که آماده کشت و زرع است ارضی که آماده کشاورزی است ارضی که آماده باغداری و زراعت است چنین سرزمینی را ما می‌دانیم کجاست این ابرهای ما راهنمایی می‌شوند بادهای ما می‌دانند کلّ این سرزمین‌ها را می‌فهمند کدام سرزمین سبّاخ است و شوره‌زار است کدام سرزمین آماده بذر و کشاورزی است که این باران هدر نرود این ابرها رسالتی دارند بادهای اینها را سائق‌اند از پشت سر سوق می‌دهند که ﴿نَسُوقُ الْمَاءَ﴾ البته ما این کار را می‌کنیم ابرها رسالت ما را دارند انجام می‌دهند ﴿نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَيَّ الْأَرْضِ الْجُرُزِ﴾ آنجا بارانداز می‌کنیم می‌گوییم اینجا باشید بارهائتان را خالی کنید بعد برگردید وقتی بارتان را خالی کردید دیگر آزادید خب این نظم علمی است این آقایان استاد دانشگاه‌اند، دانشمندند برای اینکه يك گوشه را فهمیدند آن‌که اینها را آفرید علیم نیست آن‌که این نظم محیرالعقول را آفرید علیم نیست فرمود اینها را اگر ببینند به مدبّر بودن ما، مدیر بودن ما پی می‌برند چرا نگاه نمی‌کنند.

#### اقسام هدایت‌گری خدای سبحان

ما آن قصّه انذار را ذکر کردیم عاد و ثمود و اقوام طاغی دیگر را ذکر کردیم در آیه ۲۶ گفتیم: ﴿أَوْ لَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا﴾ کار ما هدایت است يك وقت است ما دلیل می‌آوریم آیه نازل می‌کنیم معجزه می‌آوریم يك وقت با نظم کار می‌کنیم این نظم ما هادی است چرا شما از هدایت نظمی ما كمك نمی‌گیرید ما در اینجا حرف نزدیم کار کردیم این کار منظم، هادی است شما باید از هدایت این کار ما استفاده می‌کردید ﴿أَوْ لَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا﴾ يك وقت است ما آیه نازل می‌کنیم يك وقت برهان اقامه می‌کنیم خب اینها هدایت است يك وقت به وسیله انبیا و اهل بیت (علیهم السلام) دلیل اقامه می‌کنیم خب این هدایت است يك وقت کار محققانه انجام می‌دهیم این کار محققانه باید شما را

هدایت کند ﴿أَوْ لَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ﴾ که اینها فعلاً در مساکن آنها زندگی می‌کنند و حرکت می‌کنند ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ أَفَلَا يَسْمَعُونَ﴾ اما درباره هواشناسی فرمود ببینید ﴿أَفَلَا يُبْصِرُونَ﴾ اینکه در آیه ۲۷ سخن از ﴿أَفَلَا يُبْصِرُونَ﴾ است و در آیه ۲۶ سخن از ﴿أَفَلَا يَسْمَعُونَ﴾ است آن مربوط به گذشته است به نقل باید اعتماد کرد اینجا به بینایی و تجربه حسی باید اعتماد کرد ﴿أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرْزِ﴾ نه ارض سباخ ﴿فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا﴾ که این زرع ﴿تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ﴾.

#### وجه تشابه انسان با ملائکه و حیوانات، در تعبیرات لطیف قرآن

چقدر این کتاب شیرین است! وقتی سخن از علم و معرفت است علما را با ملائکه ذکر می‌کند آنجا که سخن از خوردن است انسان را با دام یکجا ذکر می‌کند شاهد آن بیان نورانی امام سجاد (سلام الله علیه) همان آیه سوره «آل عمران» بود فرمود در فضل علم همین بس که وقتی خدا نام علما را می‌خواهد ببرد فرمود: ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ﴾ [۵] اینجا علمای موحد را کنار ملائکه ذکر می‌کند این ذیل در آن حدیث نیست از آن تقارن معلوم می‌شود که اینجاها که سخن از خوردن است انسان بخور را با دام یکجا ذکر می‌کند معلوم می‌شود این کار، کار حیوانی است نه کار فرشتگی.

#### نقد سخن فخر رازی در علت تقدم انعام بر انفس در آیه ۲۷

فرمود ما این باغ و مزرعه را سرسبز و خرم و پر بار کردیم ﴿تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ﴾ تلاش و افری جناب فخر رازی دارد که چرا انعام بر انفس مقدم شد زحمت کشید که اینها اول این علف‌ها را می‌خورند بعد از گوشت اینها انسان استفاده می‌کند [۶] این سخن بدی نیست لکن این گونه از موارد ترتیب را نمی‌رساند در سوره مبارکه «طه» آنجا اول سخن از انسان است بعد سخن از

دام فرمود: ﴿كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ﴾ [۷] قدری خودتان بخورید قدری به دام‌هایتان بدهید این چنین نیست که در همه موارد اکل دام مقدم شده باشد بر اکل خود انسان گاهی اکل دام مقدم است نظیر همین آیه که فرمود: ﴿تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ﴾ گاهی هم فرمود: ﴿كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ﴾ بعد در بخش‌های دیگر فرمود آنها که هم‌شان فقط شکم آنهاست در حدّ حیات حیوانی زندگی می‌کنند ﴿يَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ﴾، [۸] اینها در حدّ يك حیات حیوانی به سر می‌برند.

### خطوط کلی سخنان انبیا

در قرآن کریم چه از زبان پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چه از زبان انبیای دیگر این انداز و تبشیر هست می‌فرمودند روزی فرا می‌رسد که حق ظاهر خواهد شد بطلان شما معلوم می‌شود شما شکست می‌خورید هم از معاد سخن به میان می‌آمد هم از فتح و پیروزی دنیا این يك رسم کلی بود که انبیا (علیهم السلام) با اقوامشان داشتند قوم نوح به آن حضرت (سلام الله علیه) گفتند: ﴿يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْنَا فَأَنْكَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِیْنَ﴾ [۹] اگر راست می‌گویی آن چیزی که به سود شماست و علیه ماست را بیاورید که قصه طوفان اتفاق افتاد فرمود صبر کنید يك فرصت مناسبی دارد.

### تبیین مراد از ﴿يَوْمَ الْفَتْحِ﴾ و چگونگی قبولی ایمان

این ﴿يَقُولُونَ﴾ که به صورت فعل مضارع درآمده و مفید استمرار است یعنی مرتب اینها می‌گفتند که ما يك روز پیروزی در پیش داریم مشرکین هم می‌گفتند آن روز چه وقت است ﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هٰذَا الْفَتْحُ﴾ بعد پاسخ داده شد که اگر منظور فتح دنیا باشد يك حکم دارد فتح آخرت باشد حکم دیگر دارد در فتح آخرت اگر کسی تا آن روز ایمان آورد که آورد اگر کسی تا آن روز ایمان نیاورد به نحو سالبه کلیه هیچ ممکن نیست بتواند ایمان بیاورد و

از ایمانش استفاده کند چون در حال اضطراب یا در دالان ورودی  
 برزخ یا ایمانِ اختیاری فرض نمی‌شود یا اگر بشود در عین اضطراب  
 است نظیر ایمانِ فرعون که مقبول نشد ولی اگر فتح، فتح دنیا بود  
 مردم دو قسم‌اند يك عده واقعاً تسلیم می‌شوند مسلمان می‌شوند  
 چون در دنیاست هنوز حیات باقی است واقعاً مسلمان می‌شود  
 واقعاً توبه می‌کنند به درجاتی از ایمان می‌رسند برخی‌ها هستند که  
 نه، ظاهراً مسلمان می‌شوند باطناً بر همان کفر باقی‌اند همان بیان  
 نورانی حضرت امیر(سلام الله علیه) درباره دودمان اموی که فرمود:  
 «ما أسلموا ولكن استسلموا» [۱۰] کار امویان را باید تاریخ به  
 دو قسمت تقسیم می‌کرد و کرد اینها قبل از فتح مکه کافر بودند  
 بعد از فتح مکه هم منافق شدند و لحظه‌ای هم ایمان نیاوردند این  
 گروه کسانی هستند که در یوم الفتح بهره‌ای نمی‌برند چه آنها که  
 کشته شدند یا در آستانه کشته شدن هستند در حال اضطرابند یا  
 در حال ورود به دالان برزخی قیامت‌اند ایمانشان نافع نیست آنها  
 هم که بر اساس نفاق ایمان آوردند ایمانشان نافع نیست ولی اگر  
 کسی واقعاً در فتح مکه مؤمن شده باشد ایمانش مقبول است در  
 اینکه فرمود: ﴿وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ﴾ فرمود  
 به آنها بگو ﴿يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ قبلاً کفر ورزیدند  
 آن روز بخواهند ایمان بیاورند ایمان نافع نیست اگر منظور فتح  
 قیامت باشد که ذات اقدس الهی «يفتح بين المؤمنين و الكافر»  
 خب معلوم است آن روز ایمان حقیقی نیست اگر در حین کشته  
 شدن باشد نظیر فرعون که در حین اضطراب ایمان آورد آن هم  
 می‌گویند: ﴿الآن وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ﴾ [۱۱] این نافع نیست، اما  
 اگر کسی در فتح مکه و امثال فتح مکه توبه کرد و ایمان آورد  
 البته ایمان او مقبول است ﴿قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا  
 إِيْمَانُهُمْ﴾.



مشابه همان بخشی که در قسمت‌های پایانی سوره مبارکه «انعام» گذشت در بخش پایانی سوره مبارکه «انعام» این آیه بود؛ آیه ۱۵۸ سوره «انعام» فرمود: ﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ﴾ اگر قبلاً ایمان نیاورد آن لحظه بخواهد ایمان بیاورد این یا نظیر ایمان انسان نائم است یا نظیر ایمان فرعون که در حال غرق شدن دارد ایمان می‌آورد ایمان نائم، ایمان بر اساس شعور نیست ایمان مضطرّ در حال غرق شدن ایمان اختیاری نیست آن ایمان بالأخره نافع نیست ﴿لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ﴾ (يك) ﴿أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا﴾ این ﴿كَسَبَتْ﴾ عطف بر ﴿آمَنَتْ﴾ است یعنی «لم تكن كسبت في إيمانها خيراً» کسی ایمان آورد ولی حالا يك ایمان شناسنامه‌ای بود کاری نکرد نه عبادتی نه خمسی نه زکاتی نه صومی نه صلاتی نه حجی نه عمره ای کاری انجام نداد البته مثل آن کافر نیست که مخلّد باشد ولی بالأخره گرفتار عذاب الهی است مدّتش را هم ذات اقدس الهی می‌داند.

مراد از انتظار مومنان و کافران در بیان آیه سی سوره «سجده»

درباره این گروه‌ها فرمود شما منتظر باشید آنها هم منتظرند شما هم منتظر باشید این منتظر بودن به عنوان تهدید است یعنی منتظر باشید روزی می‌رسد خبر آنها منتظر چه چیزی هستند و شما منتظر چه چیزی هستید اگر این دستور و این فرمان از طرف ذات اقدس الهی باشد مورد انتظار يك چیز است و آن رسیدن حکم نهایی است این حکم نهایی به سود مؤمنان است و علیه کافران چون او ﴿خَيْرُ الْحَاكِمِينَ﴾ [۱۲] است، ﴿خَيْرُ الْفَاصِلِينَ﴾ [۱۳] است، ﴿خَيْرُ الْفَاتِحِينَ﴾ [۱۴] است و مانند آن، اگر منظور این باشد که آنها هم منتظرند شما هم منتظر باشید این مورد انتظار دو چیز است آنها منتظرند که چه نقشه شومی بکشند



﴿إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَيْكَ أَوْلِيَاءَهُمْ﴾ [١٥] چه چیزی شیطان در دلشان وسوسه می‌کند شما منتظرید ببینید چه وحی‌ای از طرف ذات اقدس الهی می‌رسد پس انتظار اگر خدای سبحان بفرماید هم شما منتظر باشید هم آنها منتظر یعنی شما منتظر پیروزی آنها هم منتظر شکست باشند اگر سخن از نقل باشد نه انشاء، اخبار باشد یعنی شما منتظر هستید آنها هم منتظرند یعنی شما منتظر وحی الهی هستید آنها منتظرند تا بر اساس ﴿إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَيْكَ أَوْلِيَاءَهُمْ﴾ چه نقشه شومی بکشند.

### تلازم قلب طاهر با عمل صالح

پرسش: برخی ها می‌گویند دلت پاک باشد.

پاسخ: بله، اگر دل پاک باشد که عمل پاک است.

پرسش: می‌گویند عمل لازم نیست.

پاسخ: آن می‌شود ﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ﴾ [١٦] اگر واقعاً دل پاک باشد عمل پاک است برای اینکه دلی که سَمی نیست دلی که پاک است به فکر اعضا و جوارح است، به فکر خودش است آن‌که جزء ﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ﴾ است این حرف را می‌زند.

وجه تشابه آیه سی سوره «سجده» با آیه ۵۲ سوره «توبه»

اگر انتظار به معنای تهدید باشد مشابه آیه ۵۲ سوره مبارکه «توبه» است در آنجا فرمود: ﴿قُلْ هَلْ تَرْتَصُونَ بِنَا إِلَّا إِيَّاهُ الْخُسَيْنِينَ﴾ فرمود شما به کفار بگویید شما منتظرید که ما به یکی از دو پیروزی برسیم یا شهادت یا پیروزی ظاهری هر دو فتح است ما ﴿إِيَّاهُ الْخُسَيْنِينَ﴾ نصیتمان می‌شود اما شما: ﴿وَنَحْنُ نَتَرْتَصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا﴾ شما منتظر احادی السیئین هستید ما منتظر احادی الحسنین هستیم، ما منتظر ﴿إِيَّاهُ الْخُسَيْنِينَ﴾ هستیم یا پیروزی یا شهادت، شما منتظر احادی السیئین هستید که جمع را شاید، شکست در دنیا و عذاب در دنیا؛ یا به دست ما عذاب می‌شوید در جنگ ما پیروز می‌شویم

که خدا فرمود: ﴿قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ﴾ [۱۷] یا نه  
 ﴿سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ﴾ [۱۸] این همه عذاب  
 های الهی این همه سونامی، این دریا را یک تکان مختصر داد مثل  
 کاسه آب که شما یک مختصر تکان بدهید این شناور می شود  
 می ریزد این اقیانوس کبیر را این اقیانوس بزرگ را ذات اقدس الهی  
 یک مختصر تکان داد ژاپن آن طور گرفتار سونامی شد که هنوز با  
 گذشت مدت ها در خسارت است یک تکان جزئی، بنابراین این  
 خداست، فرمود یا به دست شما ما آنها را عذاب می کنیم یا با  
 عذاب های الهی البته اگر به دست شما هم عذاب کردیم در  
 حقیقت کار الهی است فرمان الهی است که فرمود: ﴿قَاتِلُوهُمْ  
 يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ﴾ یا به دست شما یا به دست فرشته های الهی  
 همه مأموران الهی خواهند بود ﴿نَتَرَبَّصُّ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ  
 بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ﴾ [۱۹] ما  
 هم منتظریم شما هم منتظر باشید ﴿وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ﴾ [۲۰]  
 این وعده الهی یقینی است یقیناً ذات اقدس الهی مسلمان ها را  
 پیروز می کند به احادی الحسینین می رساند و کفار را هم به  
 احادی السیئینین می رساند گذشته از آن عذاب آخرت یا خود  
 مسلمان ها را بر آنها غالب می کند یا با عذاب الهی و پیش بینی  
 نشده به حیات آنها خاتمه می دهد. این بخش پایانی سوره مبارکه  
 «سجده» است که تقریباً از باب رد العجز الی الصدر باز به مسئله  
 وحی و نبوت برمی گردد که در آغاز سوره مبارکه «سجده» از  
 وحی و نبوت الهی سخن گفته است.

#### متعلق ﴿فِي يَوْمٍ﴾ در آیه پنج سوره «سجده»

پرسش: ... پاسخ: نه، آن ﴿ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ  
 سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ﴾ [۲۱] این ذیل برای ﴿يَخْرُجُ﴾ است ﴿يُدَبِّرُ  
 الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ﴾ [۲۲] که دائمی است در اوایل  
 سوره مبارکه «یونس» مبسوطاً آنجا بیان فرمود که تدبیر امر از

ذات اقدس الهي است؛ در آیه سوم سوره «یونس» فرمود خدای سبحان امر را تدبیر می‌کند در سوره مبارکه «حجر» فرمود هر چیزی که نزد شماست اول در مخزن الهي است ﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ﴾ [۲۳] تمام این امور مسبوق به مخزن الهي است ما آنجا تقدیر می‌کنیم تدبیر می‌کنیم بعد از مخزن الهي پیاده می‌کنیم این برای تدبیر است که قوس نزول است ﴿مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ﴾ اما قوس صعود که ﴿ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ﴾ بر اساس ﴿أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ﴾ [۲۴] که صیوروت است نه تنها سیر ظاهری آن مربوط به ذیل آیه است که فرمود: ﴿كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ﴾ امیدواریم که سال نو برای نظام و ملت و مملکت با برکت الهي همراه باشد و خدا امام و شهدا را غریق رحمت کند!

«و الحمد لله رب العالمين»

- 
- [۱] . ر.ک: الکافی، ج ۲، ص ۸۴.
  - [۲] . سوره سجده، آیه ۱۶.
  - [۳] . سوره سجده، آیات ۱۰۷-۱۱۰.
  - [۴] . سوره حجر، آیه ۲۲.
  - [۵] . (سوره آل عمران، آیه ۱۸)؛ ر.ک: تفسیر الامام العسکری، ص ۶۲۵.
  - [۶] . التفسیر الکبیر، ج ۲۵، ص ۱۵۱.
  - [۷] . سوره طه، آیه ۵۴.
  - [۸] . سوره محمد، آیه ۱۲.
  - [۹] . سوره هود، آیه ۳۲.
  - [۱۰] . نهج البلاغه، خطبه ۱۶.
  - [۱۱] . سوره یونس، آیه ۹۱.

[۱۲] . سورة اعراف، آیه ۸۷ ، سورة یونس، آیه ۱۰۹ ، سورة

یوسف، آیه ۸۰ .

[۱۳] . سورة انعام، آیه ۵۷ .

[۱۴] . سورة اعراف، آیه ۸۹ .

[۱۵] . سورة انعام، آیه ۱۲۱ .

[۱۶] . سورة بقره، آیه ۱۰ .

[۱۷] . سورة توبه، آیه ۱۴ .

[۱۸] . سورة حاقه، آیه ۷ .

[۱۹] . سورة توبه، آیه ۵۲ .

[۲۰] . سورة حج، آیه ۴۷ .

[۲۱] . سورة سجده، آیه ۵ .

[۲۲] . سورة سجده، آیه ۵ .

[۲۳] . سورة حجر، آیه ۲۱ .

[۲۴] . سورة شوری، آیه ۵۳ .

